

اسرار تاریخی کمیته مجازات



(۴)



اولین بیان نامه کمیته مجازات
در مورد قتل متین السلطنه و میرزا
اسماعیل رئیس انبار غله

«مواطنان» متین السلطنه کشته شد در حالیکه بارسنگینی از ... را همراه خود برد.
ما جامعه را از وجود این عنصر ... پاک کردیم تا برای سایر اشخاص خیانت پیشه
سرمشق باشد و شاید رویه خود را عوض کنند. حقیقاً کمال سرافکندگی و شرمساری است
که دیده شود که پایه مملکت فروشی و جاسوسی و خدمت به اجانب در آن به جایی برسد که

* نسل متین السلطنه به ابو عبیده ثقفی می رسد مدتی نایب رئیس مجلس شورای ملی
بوده و زمانی روزنامه اطلاع و روزنامه مظفری را اداره می کرد مدتی مأمور گمرکات خراسان
شده و در سه سال آخر عمر خود مبادرت بتأسیس روزنامه عصر جدید نمود.

متین السلطنه بدوزبان فرانسه و انگلیسی تسلط کامل داشت عربی و ترکی را نیز تا اندازه ای
آموخته و در علوم حقوقی و سیاسی و مالی کار کرده و از دانشگاه آکسفورد انگلستان فارغ
التحصیل شده و پس از مراجعت از استانبول مدتی گمرکات بنادر جنوب بوی سپرده شد و
مدتی نیز با سمت امیرالبحری کشتی دولتی ایران را بنام پرس پولی اداره می کرد.
تحصیلات ابتدائی خود را در پاریس و دوره عالی را در انگلستان پایان رسانیده و
پس از ختم تحصیلات مدتی بعنوان مترجم سفارت ایران در استانبول انجام وظیفه می کرد
بهنگام مرگ ۳۹ سال داشت و از او سه فرزند باقی ماند. جنازه او را در این بابریه دفن
کردند. (نوشته دکتر اعلم الدوله ثقفی برادر متین السلطنه).

خود آن عوامل ناپاک هم خوب و بد خدمات ایران بر باد ده خود را انتقاد می کنند و از همه بدتر این قبیل افراد با افکار شیطانی و پلید خود تمام عناصر و دستجات وطن پرست را تخطئه نمایند. در يك اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی بسی حساس (چون امروز) که ملل دنیا با میلیون ها مردوزن از هستی و استقلال وطن عزیز خود دفاع می کنند (جنگ های ۱۹۱۸-۱۹۱۴) بدبختانه در ایران سرشکسته، افراد و اشخاص از طریق جاسوسی، مملکت فروشی و خیانت و جنایت پیش می روند و ترقی می کنند و آسانیکه جاه طلبی و مقام دوستی چشمانشان را کور کرده است تا نمیتوانند بیشتر ملت ایران را در قید اسارت و بردگی اجانب محصور و مقید می سازند. متأسفانه این اوصاف رذیله که در پیشگاه ملل بزرگ و اجتماعات مترقی، علامت کمال پستی و ذنات افراد است در کشور ما یکی از بزرگترین موجبات ترقی و افتخار بشمار می رود.

« هموطنان »، عشق بوطن يك موهبت بزرگ طبیعی خدادادی است وقتی دیده شده است که حیوانات و چارپایان نیز بدون توجه به مخاطرات عظیم از مسکن و مأوی خود تا پای جان دفاع کردند ولی ما در جلوی چشم خود می بینیم که افرادی با هزاران حيله و نیرنگ سندلیهای صدارت و وزارت را بچنگ می آورند بدون اینکه کمترین علاقه ای بسر نوشت ملت و چگونگی احوال مملکت خود داشته باشند ولی بمحض اینکه فردی با تمهید مقدمات یا از طریق سیاسی یا توسل به جهات مذهبی زمام امور را بدست گرفت اولین هدف او این است که نقش وطن فروشی را بخوبی ایفا می کند...»

« هموطنان! با این ترتیب ما ناچاریم ملاک لیاقت؟! و حدود ظرفیت و کاروری و کاردانی متصدیان عالی رتبه دولت و زمامداران را از مقدار خیانت و وطن فروشی آنان به دست آوریم و مدت است که در این زمینه مشغول مطالعه و سنجش هستیم و هر يك از افراد را بخوبی تشخیص داده ایم که با انجام چه خیانت ها و جاسوسی ها و با چه دست هایی بمقاصد پلید خود رسیده اند...»

« هموطنان، مجرب ترین و پخته ترین دیپلماتها در مملکت ما کسانی هستند که به نیکوترین وجهی بتوانند نظرات جاه طلبانه و معزضانه و خلاف حق و عدالت و انسانیت نامورین و نمایندگان سیاسی دول زورگر و تعمارطلب را اجرا نموده و رضایت خاطر آنها را اجابت نمایند...»

«... این قبیل افراد حتی خود را قهرمان میدان سیاست و بزرگترین نجات دهندة مملکت معرفی می کنند و محل تردید نیست که وجود چنین عناصر عاری از شرافت در مملکت و سکوت مرگبار ملت در مقابل این دسته خائنین و وطن فروشان از لحاظ سیاسی،

مروز وضع ایران را وخیم تر و از لحاظ اجتماعی نیز بشماره وطن فروشان و جاسوسان میفزاید .

« هموطنان ، ساعت کار و عمل فرا رسیده است ، نباید بیش از این اجازه داد که جاسوسان و وطن فروشان ذلت و سرافکندگی ، در وطن را فراهم ساخته و آن را در دبدبختی و عذاب غوطه‌ور سازند .

« اعضای کمیته مجازات ، بیاری خداوند متعال تصمیم دارند که جان خود را در این راه فدا نمایند بدین جهت بنام خدای ایران ، و در راه تأمین سعادت و خوشبختی افراد ملت ، ما دست بکار شدیم و با اولین تیر انتقام کمیته مجازات ، میرزا اسمعیل خان اولین آکتر تاثر وطن فروشی و جاسوسی و خیانت را بنحاک و خون کشانیدیم زیرا این مرد تصدی انبار غله تهران را بعهده داشت ، بدستور اجانب و بمنظور نظرات جاه طلبانه خود در ایجاد قحطی مصنوعی در تهران باعث مرگ و میرعهه کثیری گردید .

پس لازم بود که این شخص بسزای اعمال خود برسد و نقشه خائنانه اش با اودر خاک مدفون گردد و نتواند خوشبختی و سعادت خود را در مذلت و بیچارگی و استیصال هم-وطنان و قدرت و شوکت اجانب ببیند .

« اکنون برای اولین بار مأهوریت خود را اجرا کرده و اعلام می‌دارد کمیته مجازات باهیچیک از دستجات سیاسی داخلی و خارجی ارتباطی ندارد و اولین تشکیلات در ایران است که بایک پروگرام صحیح و مقدس و دور از تمام اغراض و نظرات شخصی شروع به کار نموده است .

« کمیته مجازات تنها هدفش از بین بردن خائنین- جاسوسها و خدمتگزاران دستگناه- های خارجی است بدون اینکه بشخصیت و مقام و دسته بندی آنها توجه داشته باشد .

« کمیته مجازات مصمم است انتقام خون بیگناهان مملکت را از خائنین و عمال خارجی و جاسوسان باز ستاند و باید همه مردم اصلاح طلب و علاقه‌مند به بقای ایران عزیز این کمیته را بمثابه دستی که از آستین منتقم حقیقی بیرون آمد ریشه جاسوسی و وطن فروشی را از ایران برکنند .

« کمیته مجازات از عموم هموطنان درخواست دارد که خیانت کاران را در هر لباس و هر مقام که می‌باشند معرفی نمایند . در پایان کمیته مجازات با صدای بلند این جمله آسمانی را بکوش خیانت کاران فرو می‌خواند :

سرزمینی که محل سکونت و آقائی ایرانیان با فرو افتخار بود بیش از این نباید مرکز جاسوسی و خیانت مشتی عناصر پلید باشد. هرگاه شما نمی‌خواهید بمادر وطن ترحمی کنید ، بمادرو فرزندان و خواهران خود رحم کنید و بدانید در قرن بیستم دیگر نمیشود بخیان و جاسوسی ادامه داد . در این قرن جاسوسی و بیشرافتی و وطن فروشی محکوم به مرگ است.

پایان

مهر و امضای کمیته مجازات

خصوصیات اخلاقی تروریست‌ها

تروریست‌های کمیته مجازات اکثراً از مجاهدین صدر مشروطیت بوده و در جنگ‌های مشروطیت کوشش بسیار بخرج داده و در راه آزادی از هیچ تلاشی دریغ نکرده و دلیری‌ها و شجاعت‌ها از خود نشان داده و بعضاً با ستارخان و باقرخان در آذربایجان از نزدیک همکاری داشته‌اند.

این افراد با اینکه تعلیماتی ندیده و فقط در جبهه جنگ تجربیاتی بدست آورده بودند هم‌هنگام در کار خود ورزیدگی و مهارت و چالاکی خاصی داشتند آنها دارای روح ستیزه‌جویی و انتقام‌جویی بوده و شور و وطن پرستی و اصلاح طلبی در سر داشته و می‌خواستند به خیال خود خدمتی انجام داده باشند ولی از کجا و بچه صورت معلوم نبود.

فی‌المثل برای کشتن شخصی که کمیته مجازات توصیه کرده بود قبلاً چند روزی محل سکونت و آمدورفت او را در نظر می‌گرفتند و پس از معاینات محلی و بازدید مسیر حرکت و بعد از این‌که از نقشه و کار خود اطمینان حاصل می‌کردند برنامه خود را بمرحله عمل درمی‌آوردند.

حاج بابا اردبیلی - حسین خان‌الله - احسان‌الله خان - میرزا علی‌زنجانی، حاج علی‌عسکر - رشید السلطان - مهدی خان تبریزی - عبدالحسین خان پسر شاه‌الملک و کریم دواتگر از جمله تروریست‌های کمیته مجازات بودند که هر کدام به سهم خود در اجرای نقشه‌های کمیته مذکور نقشی ایفا نمودند.

کمیته مجازات و تروریست‌های آن معتقد بودند اگر جاسوسی که ریشه فساد است از بن بر انداخته شود مملکت روی اصلاح را خواهد دید در غیر این صورت مانند سرطان تاروپود زندگی مردم را دربر خواهد گرفت و همه چیز را زیر نفوذ خود قرار خواهد داد.

کمیته مجازات در پادای امر طوری عمل کرد که همه خیال می‌کردند تروریست‌های آن همه جا بوده و از کلیه اعمال خائنین بوطن و خیانت‌های آنان مستحضر بوده و بهمین جهت هر کس کمترین انحرافی در زندگی سیاسی و اداری خود مرتکب می‌شد بر جان خود ایمن نبود و تصور می‌کرد اسم او در لیست سیاه کمیته مجازات قرار گرفته و بسر نوشت دیگر متهمین دچار خواهد شد.

مردمی که از دور ناظر اعمال و جریانات کمیته مجازات بودند هر یک درباره کمیته مذکور قضاوت‌ها و تعبیراتی می‌کردند که این طرز فکر افکار عمومی را بیشتر متوحش و مرعوب می‌کرد بهمین سبب کمیته مجازات در نظر مردم عامی طوری مهم و خطرناک

جلوه کرده بود که اگر احياناً کسی قصد خیانت و یا اقدام علیه مصالح عمومی داشت برای اینکه برگه‌ای از خود بر جای نگذارد تا مدتی از انجام آن منصرف و بهرطریقی که ممکن بود حفظ صورت ظاهر را می‌کرد .

بیوگرافی مرحوم علی اکبر ارداقی بقلم دخترش (پروین ارداقی)

از نادرشاه افشار پرسیدند اجدادت را چه کسانی تشکیل میدادند، نادر در جواب گفته بود بنویسید ، نادر پسرشمشیر ، پسرشمشیر ، پسرشمشیر ، پسرشمشیر ،

و من هم باید اضافه کنم پدرم يك مرد خود ساخته‌ای بود که درسین طفولیت در معیت برادرش مرحوم قاضی قزوینی (آزادبخواه مشروطیت) از یکی از دهات قزوین بنام (ارداق) بقزوین و از آنجا به تهران مهاجرت نمود و قبیل از اینکه اثرات دستخط مشروطیت در گوشه و کنار مملکت ظاهر گردد پدرم با کمک و راهنمایی برادر بزرگش يك جنبش آزادبخوانانهای در قزوین بوجود آورد ، یعنی پس از افتتاح اولین دوره مجلس شورای ملی و مقارن با تشکیل انجمنهای سری و پس از تشکیل میرزا علی اصغر خان اتابک اجمنی بنام انجمن خدمت به سرپرستی امیر اعظم تشکیل گردید که اقدامات کلیه انجمن‌های سری آن زمان را تحت الشعاع قرار داد تا جائیکه اکثر مردم خیال می کردند دیگر آزادی و مشروطیت از طرف کسی مورد تعرض قرار نخواهد گرفت در حالیکه انجمن خدمت درستی نقش بر خلات تصور مردم بازی می‌کرد زیرا نقشه اصلی این انجمن وسیله محمد علی میرزا علیه مشروطیت طرح ریزی شده و اعضای آن می‌خواستند با تظاهر بوطن پرستی و آزادبخواهی خود رابه محافل آزادبخوانان نزدیک کرده و از تصمیمات و نقشه‌های سری آنها اطلاع حاصل نموده و بموقع کارشان را بی اثر گذارند .

پدرم برای اینکه نقشه انجمن خدمت را نقش بر آب کند نقشه کار خود را طوری طرح ریزی نمود که پس از مدتی کوتاه تشکیلات انجمن مذکور از هم متلاشی و تاروپود آن از هم گسیخته شد . بدین ترتیب که :

چون به افکار عمومی تلقین شده بود که میرزا علی اصغر خان اتابک از طرف يك انجمن سری کشته شده و قاتل او عباس آقا نیز یکی از تروریست‌های این انجمن بود که پس از خودکشی در جیب او پلاکی بشماره ۴۱ بدست آمده بود لذا اینطور تصور می‌شد که انجمن سری مذکور دارای عده کثیری تروریست می‌باشد که عباس آقا قاتل اتابک عضو چهل و یکم آن بوده است .

بنابر این ارداقی با امضای جعلی از طرف يك انجمن سری که وجود خارجی نداشت ه امیر اعظم رئیس انجمن خدمت می‌نویسد که مفاد آن چنین بوده است :

« ... انجمن سری از کلیه اعمال انجمن خدمت مسبوق و می داند که این انجمن قصد دارد آنچه را که تا کنون مشروطه خواهان در زمینه تعمیم آزادی و بسط مشروطیت بدست آورده نقش بر آب کند .»

«... با اینکه انجمن سری می توانست با بکار بردن يك بمب ، مجمع بزرگ انجمن خدمت را متلاشی و زیر و زبر کند مع هذا سزاوار ندید دست خود را بخون عده ای آورده کند ، لذا لازم دید اعلام دارد که هر چه زودتر تشکیلات انجمن خدمت را بهم زده و از تعقیب نقشه های شوم و خائنه و فاسد خود صرف نظر نماید.»

پس از مدتی چون ارداقی از طرح نقشه خود نتیجه لازم را بدست نمی آورد مجدداً نامه ای به انجمن خدمت می نویسد که علت تأخیر در اجرای دستور انجمن سری چه بوده است و لازم است علت را در روزنامه حبل المتین درج و منتشر نماید .

پس از اینکه نامه دوم به دست امیر اعظم سرپرست انجمن خدمت می رسد تصور می کند انجمن سری از کلیه نقشه ها و دسیسه های او و همکارانش اطلاع دارد و بنا بر این شرحی با مضای سرباز وطن در روزنامه حبل المتین درج می کند که مضمونش این بوده است :

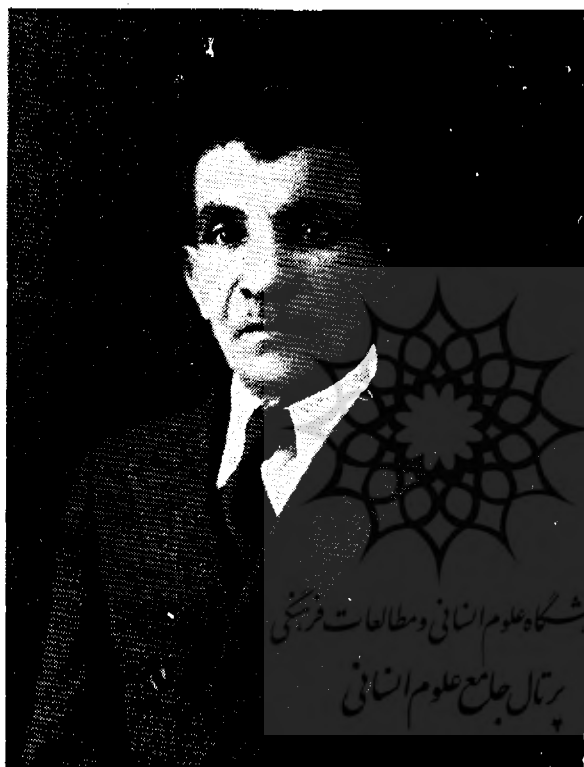
« اینجناب از فاد نامه ارسالی اطلاع حاصل نموده و مفاد آن را با اطلاع سایر اعضای انجمن رسانیدم - سرباز وطن) و بدین ترتیب ارداقی توانست يك تشکیلات خطرناک و مضری را که دارای نقشه های فاسد ، خائنه ای بود از کار بیندازد و اساس آن را متلاشی سازد .»

مرحوم پدرم پس از بمباران مجلس شورای ملی ، مدتی باتفاق برادرش قاضی قزوینی و افراد دیگری از قبیل میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل - ملك المتكلمين ، یحیی میرزا اسکندری .. روح القدس و حسین خان الله در زندان باغشاه هم رنجیر بود . ملك المتكلمين و صور اسرافیل وسیله مأمورین محمد علی میرزا خفه شده و مرحوم قاضی ارداقی (عموی نگارنده) را نیز مسموم کردند و روح القدس را زنده در چاه فرو انداختند و حسین خان الله را در میدان توپخانه بجرم همکاری با کمیته مجازات بدار آویختند ولی پدرم بخواست خدای بزرگ از چنگ دژخیمان باغشاه نجات یافت تا بتواند منشاء خدمات دیگری گردد که عضویت کمیته مجازات یکی از اقدامات برجسته و تاریخی زندگی او بود که قضاوت خوبی یا بدی کار او در این قسمت با خوانندگان محترم می باشد .

برای اینکه بطرز فکر و روحیه او پی ببریم لازم میدانم قسمتی از نامه ای را که یکی از نخست وزیران نوشته است ذیلا نقل کنیم :

« ... البته مسبوق هستید که در کابینه وثوق الدوله آثار شومی برای ایران باقی ماند

که تشکیل پلیس جنوب و اشغال قسمتی از خاک ایران وسیله قشون تزاری و توقف آنها در پشت دروازه پایتخت یکی از آثارشوم کابینه مذکور بود و نیز میدانید که غالب سیاستمداران آن دوره دانسته یا ندانسته ایرانی بدبخت را ، سوار بر اسب مهاجرت نموده و بیک نقطه موهوم سوق میدادند که لازم نیست عواقب وخیم این نهضت بچگانه را برای شما تشریح نمایم و بنا بر این کمیته مجازات و انجمن های دیگر بنا به علل فوق تشکیل گردید ... »
 پدرم نظرات و عقاید خود را درباره کمیته مجازات و علت تشکیل آن بارها برایم اینطور تریف و نقل میکرد :



« ... عملیات کمیته مجازات بظاهر يك امر جنائی بود و شك نیست که اصولاً جنایت و آدمکشی يك عمل مذموم و عاملین آن باید به کیفر اعمال غیر انسانی خود رسیده و محکوم به مرگ میشدند. ... در اینصورت با توجه باینکه من باین مسائل وقوف کامل داشته و از عواقب وخیم کار کمیته مجازات آگاه بودم ولی چون می دانستم دولت امپراطوری انگلیس موجبات بر قراری

علی اکبر ارداقي

يك حکومت مقتدر بی باکی را فراهم ساخته که قرارداد ۱۹۱۹ مقدمه ایجاد چنین حکومتی بود که کور کورانه دستورات اربابان خود را بمرحله اجرا می گذارد لذا لازم دیدم با وجدانی پاک و فکری بی آرایش و ایمانی راسخ در بر انداختن این ریشه فساد و خیانت قدمی بردارم و این خبط و دیوانگی من مبتنی به علت قوی و اطمینان خاطر می بود که از فضل خدا و توجه حق درباره خود برخوردار بودم و خداوند می دانست که من يك آدم پاک و بی آیشی بودم و ابدأ در فکر خود برای اغراض و مطامع شخصی حاضر نبوده ام بخاطر دستمالی قیصریه ای

را به آتش بکشانم و همیشه تمام هموطنان خود را از صمیم قلب دوست داشته‌ام ... »

وی همیشه می‌گفت . « .. سلك و عقیده من به خلاف اصول تروریسم بود و هیچ‌گاه در خدمات ملی خود نظرم به آدمکشی معطوف نبود ولی چون از زمان بلوغ تا کنونی معاشرت با اشخاص مختلف بر اساس صداقت و خلوص نیت و یکرنگی و خدمت به وطن بوده و هیچ‌گاه از طریق حقیقت‌پا فراتر ننگذارده و قدمی علیه مصالح عالیه مملکت پر نداشت‌ام لذا هر کس با هر نوع عقیده و مسلک ، مطالب خود را آشکارا با من در میان می‌گذازد و اطمینان داشت آنچه را که شنیده‌ام در لوح سینه خود محفوظ داشته بکسی منعکس نمی‌کنم . بارها اتفاق افتاد که اشخاص را از بعضی اقدامات که بحال مملکت مفید نبود باز داشته و آنها را بصراط مستقیم هدایت نموده‌ام ... »

« ... کریم دواتگر از جمله کسانی بود که همکاری و ارتباط خود را با کمیته مجازات با من در میان گذاشت و پس از این‌که با کمیته اختلاف و ضدیت پیدا کرد اذن استمداد نمود که پا در میانی من در کار رفع اختلاف کریم دواتگر و کمیته مجازات باعث شد که پای من به کمیته مذکور باز شود ... »

پدرم می‌گفت . « مخالفت من با وثوق الدوله و امثال او از روی خیر خواهی و مصالح عمومی بود زیرا برای من مسلم بود بناهای رفیعی که این اشخاص با خشت و گل خیانت و آجرهای پوک خدعه و تقلب برای خود می‌سازند عاقبت بسر خود آنان و ایران خواهد گردید .

البته علم خدا در حق بشر به تنهایی کافی و منشاء اثر نیست، یعنی نتیجه خوب و بد علم خدا وقتی در حق اشخاص بمنصه ظهور می‌رسد که از طرف خود آنها در محضه طبیعت بمرض آزمایش و عمل درآمده باشد ... »

با اینکه تمام دوران زندگی پدرم با ناکامی ، محرومیت و حبس و تبعید و تحمل ذلت و شرمندگی از زن و فرزند سپری شد و دمی از آسایش و راحتی برخوردار نبود ، مع هذا همیشه با کمال سربلندی و افتخار می‌گفت :

« من هم از تمام لذات طبیعت به قدر کافی بهره‌مند بوده و از آنچه مورد علاقه دیگران است من هم به قدر کافی سهم برده‌ام ... »

مرحوم ارداقی به علت مشارکت در اعمال کمیته مجازات ، زندگی محدودی را برای خود ترتیب داده بود و به همین سبب نزدیکترین دوستان او به پاره‌ای ملاحظات از معاشرت با وی احتراز و خودداری می‌کردند مع هذا در نظر همه آنان همیشه معزز و گرامی بود ،

ارداقی می گفت: «... اجرت صدمات طاقت فرسای من بقای نام نیک خود و مشروطیت و آزادی است که برای نسل فعلی به یادگار مانده است و اگر در مقابل این همه مصائب و دردها بردباری و استقامت نکرده بودم اصولاً منطق نداشت که يك دهقان زاده چنین شخصیت شرافتمندانه‌ای پیدا کند. می بینم محفوظ ماندن حیات من برای این بود که دستگیر کنندگان اینچنان تصور می کردند گناه من کمتر از سایرین است و حال اینکه آنچه را که در نظر آنان گناه به شمار می رفت من در زندان باغشاه زیادتر از سایر محبوسین مرتکب شده بودم»

پدرم در زمینه ایمان و تقلید اینطور اظهار عقیده می کرد :

. . . اگر وطن پرستی پنجاه درصد مردم دروغ و مصنوعی نباشد لامحاله از روی تقلید است که در اینصورت این نوع وطن پرستی قابل اعتماد و بقا نیست . مسائل دیگر از قبیل دیانت ، مذهب ، تقوی نیز نظیر همین مثال است و چون همه کس طالب خوشنامی و عزت است و همه طالب تعریف و تمجید می باشند . لهذا اصولاً در دنیا کسی نیست که خواهان سربلندی و افتخار نباشد ولی نظر به اینکه برخی از روی ایمان و عقیده کار خود را دنبال نمی کنند لذا موفق به تحصیل این افتخارات می شوند به عبارت ساده تر اگر کسی قادر به جلوگیری از هوای نفس خود نباشد بفرض اینکه خواهان عزت و بزرگواری باشد انجام آرزوی او بسادگی انجام پذیر نبوده و موفقیت او صوری و مانند حباب روی آب خواهد بود که با اندک موج هوا محو و نابود خواهد گردید .

اگر مردم دنیا به ژرژ واشنگتن رئیس جمهور فقید آمریکا بیش از ناپلئون احترام می گذارند برای اینست که فداکاری و جانبازی او فقط برای استقلال آمریکا و آزادی ملت خویش بود ، یعنی برای کسب افتخارات شخصی ، حاضر نبود آزادی و استقلال کشور خود را لگدمال کند و بنابراین اگر کسی اوصاف حمیده انسانی را از روی کمال عقیده و ایمان پیروی نماید قطعاً ریشه صفات رذیله مذمومه که عبارتند از : حسد - بخل - عداوت - کینه توزی - نخوت - خودپسندی و امثال آن در مزرعه جامعه نشو و نما نیافته و بکلی خشک می شود و ارتباط و مناسبات افراد جامعه مبدل به مهر و محبت و زندگانی عاقله بشر به صورت کانون مصفائی تبدیل خواهد شد»

مرحوم ارداقی در زمینه رفع گرفتاریها و دردهای مزمن اجتماعی اینطور اظهار عقیده می کرد که :

« . . . علاج قطعی دردهای مزمن اجتماعی ترویج و استقرار اصول دوازده گانه ایست که ژرژ واشنگتن رئیس جمهور فقید آمریکا تدوین نموده و مبتنی بر آزادی و حفظ حقوق کلیه افراد بشر و بشردوستی است که قطعاً خوانندگان گرام از مفاد آن اطلاع دارند .

(ادامه دارد)